

جهان به دنبال راه کاری برای مبارزه با مرگ زودرس

● بهجت حیدری

وضعیت استعمال دخانیات در نوجوانان جهان: بنا به گزارش یونیسف با عنوان "بار جهانی بیماری ها"، انتظار می رود تا سال ۲۰۲۰ سیگار بیش از هر عامل یا بیماری دیگر سبب مرگ زود رس و ناتوانی شود. (۲۱ درصد علل مرگ و بیمار ابتلا به سیگار است.)

تحقیقات بین المللی که بر روی رفتارهای بهداشتی دانش آموزان در سال ۱۹۹۸ انجام گرفت، حاکی از پایین آمدن سن مصرف دخانیات در دختران و پسران است. همچنین سایر تحقیقات در نقاط مختلف جهان نیز نشان دهنده آن است که سن شروع مصرف دخانیات به ۱۱ تا ۱۵ سال کاهش یافته است.

وضعیت استعمال دخانیات در نوجوانی ایران:

بر اساس بررسی کشوری سلامت روانی اجتماعی نوجوانان و جوانان ۱۰ تا ۱۹ ساله ایرانی سال ۱۳۷۹ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی میانگین استعمال دخانیات در پسران و دختران شهر و روستا در گروه سنی ۱۴ تا ۱۱ (۱۱ درصد) و میانگین استعمال دخانیات در سنین ۱۹ تا ۱۵ (۲۱ درصد) با توجه به این تحقیق در سنین ۱۸ تا ۱۱ سال (حدود ۱۰ میلیون دانش آموز) حدود یک میلیون دانش آموز مبتلا به مصرف دخانیات است.

خلاصه گزارش بررسی مقدماتی اثر بخشی برنامه آموزشی مهارت های زندگی در دانش آموزان سال اول راهنمایی، حداقل استعمال ۱۱ درصد سیگار را در دانش آموزان ابتدایی بیان می کند.

همچنی طبق آخرین اطلاعات (بیماری و سلامت در سال ۱۳۷۸) انجام شده ۷/۱۱ درصد جمعیت ۶۹-۱۵ سال کشور سیگاری هستند و ۷۰ درصد افراد سیگاری زیر ۴۰ سال بوده و دو سوم آنها اولین سیگار خود را در سنین ۲۴-۱۵ سال تجربه کرده اند. دکتر اقلیما، با اشاره به

این که نمی توان نقش مربیان را در بروز و کنترل بحران ها و معضلات دوره نوجوانی نادیده گرفت، در این باره می گوید: معلمان و مربیان نیز از این مسئله مستثنی نیستند و همانند سایر افراد جامعه با مشکلات اقتصادی دست به گریبان هستند. آنان مجبورند برای امرار معاش و تأمین هزینه های زندگی به مشاغل دیگر نیز مشغول شوند. طبیعی است که دیگر حوصله چندانی برای حل مشکلات

در حالی است که اگر نوجوان در خانه امنیت و آرامش روحی نداشت باید با میل و رغبت مدرسه را مأمون مطمئنی برای خود دانسته و مشکلاتش را حداقل با یکی از معلمان در میان گذارد. در اینجا به حضور معلمان با حوصله و آشنا به روانشناسی نوجوان احساس می شود.

این آسیب شناس اجتماعی می گوید: بررسی ها حاکی از آن است که بیشتر معلمان مدارس که



مگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
پژوهشگاه علوم انسانی

وظیفه آموزش و پرورش فرزندان ما را بر عهده دارند از درک شرایط خاص دوره نوجوانی و جوانی فرزند خود عاجز هستند. بر اساس آنچه گفته شد؛ باید دید چه کسی تا به حال سعی کرده که به نوجوانان آموزش دهد که اینک نه تنها والدین بلکه کل جامعه از نوجوانان انتظار معجزه داشته و آنان را مسؤل بروز ناهنجاری ها و بزهکاری هایی این دوره سنی می دانند. در این زمینه باید اعتراف کرد خانواده به عنوان اولین پایگاه اجتماعی، مدرسه در جایگاه دوم و در آخر جامعه هیچ گامی برای نوجوان برنداشته و هیچ امکانی را به منظور تخلیه روحی و روانی در اختیار او قرار نداده است.

روحی و روانی خاص دوره نوجوانی نداشته باشند. بارها دیده شده که در اثر پیگیری های مستمر بعضی از معلمان، دانش آموزان بی علاقه به تحصیل، مجبور به درس خواندن شده و پس از چندی نسبت به تحصیل ابراز علاقه کرده اند. بنابراین نمی توان از نقش مؤثر معلمان و مربیان غافل بود. وی تأکید کرد: متأسفانه معلمان و مربیان در مدارس کمتر نسبت به درک روحیات خاص دانش آموزان اقدام کرده اند و گاه با اقدامات تنبیهی و سختگیرانه، ناخواسته زمینه های گرایش نوجوانان را به معضلاتی نظیر گریز از مدرسه، فرار از خانه، اعمال شریانه، بزهکاری و... را فراهم کرده اند. این